

ملاحظات در باره پذیرش قطع نامه ۵۹۸

محمد تقی جنس بافی *

می شود که در آن هنگام ختم تشنج اولویت پیدا کرده بود و در مقطعی به این نکته رسیدیم که ختم تشنج حقیقتاً ضروری است. «مطلب دوم، این که چگونه باید تشنج ختم می شد». به نظر می آمد قطع نامه ۵۹۸ می تواند یکی از معقول ترین وسیله های ختم تشنج باشد. به علاوه در آن زمان مسیر دیگری آماده نبود. اگر دنبال راهکارهای دیگری می گشتیم، باید منتظر می ماندیم تا زمینه هایی آماده شود. اما راهکار قطع نامه آماده بود؛ طرح اجرایی آن حاضر بود؛ از نظر بین المللی مقبول به شمار می آمد و طبیعی بود که قطع نامه ۵۹۸ وسیله ختم تشنج انتخاب شود.

زمان پذیرش قطع نامه ۵۹۸ در کالبدشکافی دلایل قبول آن می تواند راهگشا باشد. حجه الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی، امام جمعه موقت تهران و جانشین وقت فرماندهی کل قوا، در خطبه های نماز جمعه تهران در ۲۸ مردادماه ۱۳۶۷ با بجا ارزیابی کردن زمان پذیرش قطع نامه دلیل آن را غرور ملی دانسته و می گوید: «از دیدگاه دیگر، ما به مسائلی رسیدیم که آن موقع [چند ماه زودتر از پذیرش قطع نامه] نمی رسیدیم. رفع ادعای جنگ طلبی ما و صلح طلبی عراق، از جمله دستاوردهایی بود که پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ در زمان فعلی به دست آمد»^۱.

صرف نظر از زمان پذیرش قطع نامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران، دلایل مختلف پذیرش آن از جمله دلایل سیاسی بسیار با اهمیت هستند. البته، دلایل اقتصادی

قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۳۰ تیرماه ۱۳۶۶، به اتفاق آراء به تصویب رسید و جمهوری اسلامی ایران در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷، به طور رسمی آن را پذیرفت و مدتی پس از آن نیز، آتش بس رسمی بین دو کشور در حال جنگ با نظارت مأموران سازمان ملل برقرار شد.

فاصله زمانی بین تصویب این قطع نامه و پذیرش آن از طرف جمهوری اسلامی ایران این پرسش را مطرح می کند که چه دلایل و عواملی در این تأخیر دخالت داشته اند. البته، این مقاله در پی ارائه تمامی دلایل نیست و تنها آن بخش از دلایلی را که از نظر سیاسی در پذیرش قطع نامه نقش داشته اند بررسی می کند، اما بی تردید، تحولات نظامی جنگ از یک طرف و نیز حوادث و رخداد های سیاسی و نظامی داخلی و خارجی مرتبط با جنگ از سوی دیگر در این تأخیر اهمیت دارند که بنا به ملاحظات و مسائل سیاسی و نظامی، تمام آنها اعلام نشده اند.

سؤال مهم این است که اگر در پذیرش قطع نامه ۵۹۸ بیش این تأخیر می شد، چه اتفاقی رخ می داد؟ در ۲۲ مرداد ماه ۱۳۶۷، محمدجواد لاریجانی، معاون امور بین الملل وزارت امور خارجه، در آن زمان در گفت و گو با خبرگزاری جمهوری اسلامی با اشاره به همین موضوع می گوید: «ما باید دو مطلب را از هم جدا کنیم. نخست تصمیم ما در زمینه پایان هر چه سریع تر درگیری ها». از این سخن معلوم

* کارشناس علوم سیاسی و کارشناس مسئول برنامه ریزی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

اسلامی ایران، نظامیان عراقی حملات خود را به مناطق تحت اختیار ایران متوقف نکردند. این امر گویای آن است که مسئولان جمهوری اسلامی در برآوردهای خود مبنی بر جنگ طلب بودن عراق در نزد افکار عمومی جهان موفق عمل کردند و در واقع، یکی از دلایل سیاسی پذیرش

و نظامی و ملاحظات دیگر نیز در پذیرش قطع نامه مزبور نقش داشتند، اما به نظر می رسد دلایل سیاسی وجه غالب این روند محسوب می شوند. هرچند تاکنون مسئولان رسمی کشور دلایل سیاسی آن را به صورت رسمی و روشن اعلام نکرده اند، اما از محتوای اظهارات آنها می توان

فاصله زمانی بین تصویب قطع نامه ۵۹۸ و پذیرش آن از طرف جمهوری اسلامی ایران این پرسش را مطرح می کند که چه دلایل و عواملی در این تأخیر دخالت داشته اند

قطع نامه نیز ناظر بر همین موضوع است. در روزهای پایانی جنگ، پیروزی های نسبی محدود ارتش عراق در مناطق جنگی این موضوع را در ذهن برخی از تحلیلگران سیاسی و نظامی ایجاد کرده بود که جمهوری اسلامی قطع نامه مزبور را از سر استیصال و ضعف پذیرفته است، اما حجه الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی، جانشین وقت فرمانده کل قوا، یک روز پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ گفت: «در روزهای آینده، در حدی که دشمن نتواند سوء استفاده کند، مردم عزیز ایران در جریان امور قرار خواهند گرفت... این تصمیم تحقیقاً در جهت مصالح اسلام و امت برداشته شده و هیچ گونه شبهه ای از ضعف و ناتوانی در آن نیست».^۳

این مقام مسئول، شرایط جدیدی را که به پذیرش قطع نامه ۵۹۸ و قبول آتش بس منجر شد این چنین بیان می کند: «مسائل فراوانی وجود دارد و مهم ترین آن این

استنباط کرد که تحولات بین المللی و منطقه ای نیز از جمله دلایل پذیرش این قطع نامه بوده اند.

در ۲۱ مردادماه ۱۳۶۷، آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور وقت کشور، در خطبه های نماز جمعه تهران عنوان کردند: «اعلام قبول قطع نامه از طرف جمهوری اسلامی ایران دو فایده اساسی داشت: اول این که، آتش بس را به صلاح انقلاب و کشور دانستیم و دوم این که، با اعلام قبول قطع نامه، ماهیت رژیم عراق علی رغم ادعاهای صلح طلبی، آشکار شد و تحولات بعدی اصالت هر دو مصلحت را مشخص ساخت... رژیم عراق در مقابل این حرکت غیرمنتظره جمهوری اسلامی ایران درماند. اگر طالب پوشاندن چهره جنگ طلب خود بود، باید آتش بس را قبول می کرد. اگر می خواست زیربار نرود، چهره منافقانه این رژیم افشای شد و این هر دو به نفع کشور ما بود».^۲ به دنبال پذیرش قطع نامه ۵۹۸ از سوی جمهوری





صرف نظر از زمان پذیرش قطع نامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران، دلایل مختلف پذیرش آن از جمله دلایل سیاسی بسیار با اهمیت هستند. البته، دلایل اقتصادی و نظامی و ملاحظات دیگر نیز در پذیرش قطع نامه مزبور نقش داشتند، اما دلایل سیاسی وجه غالب این روند محسوب می شوند

جمهوری اسلامی چندان با واقعیت مطابقت ندارد. دیدگاه رایین رایت، کارشناس مسائل منطقه، در گفت و گو با رادیو امریکا از جمله این اظهار نظرهاست. این گفت و گو یک روز پس از پذیرش قطع نامه، انجام شد. به اعتقاد وی ناامیدی ایران از راه حل نظامی و نیز وضعیت اقتصادی و تحولات اخیر جبهه های جنگ در این تصمیم گیری مؤثر بودند.^۶

نتیجه گیری از چنین اظهار نظری آن است که ایران با توجه به حمایت های گسترده بین المللی از عراق، راه حل نظامی برای پایان جنگ را منتفی دانسته و وضعیت اقتصادی کشور نیز در این تصمیم مؤثر بوده است. البته، به دلیل آن که هنوز پس از چهارده سال از پایان جنگ، چنین اظهاراتی به صورت رسمی تأیید یا تکذیب نشده اند، نمی توانند مبنای درستی داشته باشند.

اما به رغم این اظهار نظر، آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع در زمان جنگ،

است که کفر جهانی و استکبار در این مقطع تصمیم گرفته اند که به طور جدی، از پیروزی سریع ما جلوگیری کنند و پافشاری ما در این مقطع ممکن است منجر به خسارات فوق العاده ای برای مردم ما و مردم عراق شود که در محاسبه مان آن چیزها را فعلاً مصلحت ندیدیم.^۴

به دنبال پذیرش قطع نامه ۵۹۸، آیت الله خامنه ای نیز به آن دسته از مردم و رزمندگانی که قبول قطع نامه را به معنی عقب نشینی یا عدول از مواضع قبلی قلمداد کردند، چنین پاسخ دادند: «... آنچه امروز لازم است گفته شود این است که پذیرفتن این قطع نامه به معنای برگشت از شعارهای انقلاب اسلامی نیست و انشاء الله نه چند سال بعد، بلکه به همین زودی ها دلایل واقعی پذیرش قطع نامه به اطلاع مردم خواهد رسید».^۵

درباره دیگر دلایل سیاسی پذیرش قطع نامه برخی از کارشناسان خارجی اظهاراتی مطرح کرده اند که به دلیل عدم شناخت کافی از واقعیت های سیاسی و تصمیم گیران

چنین استدلال کرده‌اند: «اگر تا به حال آتش بس را قبول نکرده‌ایم، علت آن این بود که مهاجم هنوز تأدیب نشده بود. باید تمامی همفکران صدام درمی یافتند که چنین تجاوزی چه پیامدی دارد و دنیا اکنون فهمیده است و ملت ایران بدون تردید یک قدرت نظامی و سیاسی است».^۷

از طرف دیگر، علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه، ضمن اشاره به توهم عراقی‌ها درباره قطع نامه ۵۹۸ می نویسد: «پذیرش قطع نامه از سوی ایران این توهم را در عراقی‌ها پدید آورد که ایران ضعیف شده است؛ لذا دوباره رجز خوانی‌های ابتدای جنگ را آغاز کردند. پس دو هفته تلاش کردیم و در برابر باج خواهی‌های عراق پایداری کردیم تا توانستیم آتش بس را بگیریم. وقتی به تهران برگشتم بعضی از دولت مردان به من گفتند تو که آتش بس را به دست آوردی، موضوع عقب نشینی را هم یکباره حل می کردی. این نشان می داد که بعضی از همکاران ما در دولت راجع به ماهیت حکومت عراق هم چنان دچار خوش باوری بودند».^۸

در هر حال، هرچند هنوز بین عراق و ایران آتش بس و صلح کامل برقرار نشده است، اینک، همان طور که مسئولان کشور عنوان کرده اند، ثابت شده است که تأخیر بیش از اندازه در پذیرش قطع نامه، لطمه های جبران ناپذیری به کشور وارد می کرد. ارتش عراق همانطور که در هنگام جنگ و نیز در جنگ خلیج فارس مشخص شد، در آستانه دست یافتن به سلاح های اتمی تاکتیکی قرار داشت و در استفاده از سلاح های شیمیایی نیز هیچگونه تردیدی نداشت. تهدید عراق در بیانیه ای که در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۶۷ منتشر کرد به خوبی نمایانگر این نکته است که در صورت تأخیر در پذیرش قطعنامه، پیامدهای بسیار تلخی در انتظار مردم ایران بود.^۹ مردمی که کیلومترها از مناطق جنگی دور بودند و حقوق بین الملل عدم تعرض به آنان را به رسمیت شناخته بود.

حتی، اگر این ادعای سرفرماندهی ارتش عراق را بیهوده بدانیم، واقعیت این است که تأخیر بیش از حد در پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به زیان مردم ما و ملت عراق تمام می شد و امکان داشت نتایج فاجعه آمیزی به دنبال داشته باشد.

در هر صورت، قطعنامه ۵۹۸ با تدبیر حضرت امام (ره) پذیرفته شد. با این تصمیم هرچند مردم و رزمندگان شگفت زده شدند اما امام خمینی (ره)، بنیان گذار جمهوری اسلامی، به آنها سفارش کردند: «این روزها ممکن است

بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند که هرچند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست».^{۱۰} مردم، مسئولان و رسانه های گروهی از پرداختن به جزئیات دلایل سیاسی پذیرش قطع نامه ۵۹۸ خودداری کردند، اما به نظر می رسد در حال حاضر، در صورتی که مصلحت کشور اجازه دهد، مسئولان خواهند توانست به طور شفاف، شرایط آن روز کشور، فشارهای بین المللی برای در انزوا قرار دادن جمهوری اسلامی و نیز در تنگنا قرار دادن ایران از نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی را برای مردم و افکار عمومی تبیین کنند تا از هر گونه قضاوت شتاب زده و نارسا اجتناب شود.

♦ یادداشت ها

۱. روزنامه کیهان، ۶۷/۵/۲۹.
۲. همان، ۶۷/۵/۲۲.
۳. همان، ۶۷/۴/۲۸.
۴. همان.
۵. روزنامه کیهان، ۶۷/۵/۱.
۶. رادیو آمریکا، ۶۷/۴/۲۸.
۷. روزنامه اطلاعات، ۶۷/۵/۲۱.
۸. علی اکبر ولایتی؛ تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۳۳۱.
۹. رادیو بغداد، ۱۳۶۷/۵/۲۳.
۱۰. صحیفه نور، جلد بیست و یکم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸، ص ۹۲.